

نقش وراثت در شخصیت آدمی از دیدگاه چند دانشمند ایرانی

سید هاشم گلستانی^۱



چکیده

عوامل موثر بر شخصیت آدمی و خلق و خوی و رفتار او از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است به گونه ای که بعضی وراثت را عامل تعیین کننده دانسته اند و بعضی دیگر محیط را وغلب آنها هر دو عامل را بدون تعیین عیار تاثیر، مورد توجه قرار داده اند. این مقاله با بیان مقدمه ای بر تاثیر وراثت از دیدگاه روانشناسان بر جهت هوش و رفتار آغاز می شود و سپس نظرات چند دانشمند ایرانی که در زمینه فلسفه و حکمت و ادب سرآمد بوده اند پیرامون نقش موثر وراثت در ساختار شخصیت آدمی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: وراثت، استعداد ریاضی و موسیقی، ذاتی و سرشی



^۱ استاد دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی

مقدمه

نقش وراثت در ساختار شخصیت آدمی مساله‌ای دیرین است که ادب، عرفا و حکما به آن پرداخته‌اند. اغلب این دانشمندان ضمن اذعان به تاثیر عوامل محیطی و تربیتی، نگاه ویژه‌ای به مختصات وراثتی انسان‌ها داشته‌اند که فرازهایی از این دیدگاه‌ها در این مقاله بیان گردیده است. پیش از طرح بحث بیان دو نکته ضروری است یکی اینکه پذیرش نقش وراثت در اوصاف روانی بیان گر جبر است چه فرد سهمی و نقشی در انتخاب صفات وراثتی خود ندارد. نکته دیگر اینکه بر خلاف نظر رفتار گرایان که به گونه‌ای افراطی از تاثیر محیط دفاع می‌کنند اغلب روانشناسان ویژگی‌های وراثتی همچون سطح هوش، چگونگی کار غدد داخلی مزاج و طبیعت و تیپ و ساختار بدنی را موثر در خلقيات او می‌دانند و کتب روانشناسی مشحون از نظرات این دسته از محققان است. مثلا در بخش استعداد و جهت آن بررسی‌ها نشان داده است که وراثت نقش تعیین کننده‌ای دارد. «در پنج نسل خانواده ماخ (موسیقیدان مشهور اروپایی) از بین ۵۷ نفر به وجود ۱۵ نفر آهنگساز زبر دست اشاره شده است. باخ دارای بیست فرزند از دو زن مختلف بوده که ده نفرشان که به سن بلوغ رسیدند همه شان از لحاظ استعداد موسیقی شایسته بودند. این مساله ما را وامیدارد که استعداد موسیقی را در این خانواده یک صفت بارز و برجسته به حساب آوریم» (دوبس ۱۳۸۴ ص ۴۹)

در تحقیق دیگری که صورت گرفته وقتی دو همسر استعداد موسیقی داشته‌اند ۸۰ درصد فرزندان نیز موسیقی دان شده‌اند. همچنین در مواردی که هر دو همسر استعداد ریاضی داشته‌اند سه چهارم فرزندان از این استعداد بهره مند بوده‌اند.

نتیجه اینکه همان گونه که گونه‌های مختلف گندم در زمین معین محصول همانندی از نظر کمیت و کیفیت نمی‌دهد. انسان‌ها نیز ویژگی‌های ژنتیکی خود را دارند و از آغاز همانند نیستند. با توجه به این مقدمه و مستندات آن به طرح یک نظریه اساسی در مورد وراثت از دیدگاه چند اندیشمند نامدار پرداخته می‌شود.



اخوان الصفا

گروهی از اندیشمندان شیعی در قرن پنجم هجری بودند که مجموعه‌ی آثار علمی آنها در ۵۲ رساله در دانش‌های گوناگون است به نظر این اندیشمندان عوامل موثر بر خلق و خوی آدمی عبارت است از:

خاک منطق و شهرها و هوای آنها - رشد بر اساس خوی و عادت پدران، معلمان و مریبان.

وضعیت ستارگان و اجرام آسمانی به هنگام ولادت، عناصر اجسام و ترکیب آنها. که هر چهار مورد از اختیار فرد بیرون است و نقش اختیار در محدوده آن مراتب محفوظ است.

«مردم سرشته شده بر اخلاق خویشند و این بر حسب اختلاف ترکیب مزاج اجسام و اختلاف اشکال فلک به هنگام ولادت، متفاوت می‌شود. برخی از مردم بر یک یا چند خلق محمود و یا مذموم سرشته شده اند و برخی بر اخلاقی دیگر... تاثیرات کواكب و شرایط آنها در زمان حمل متفاوت می‌گردد و انسان در طول زندگی، از آثار و عوارض این تاثیرات مصون نیست» (اعرافی و همکاران ۱۳۷۷ ص ۲۰۷).

حکیم ناصر خسرو قبادیانی

این شاعر و فیلسوف در قرن چهارم هجری می‌زیست و یک شیعی اسماعیلی به شدت متدين و استوار بود. به دلیل همین باور قطعی به قدرت لایزال الهی آدمی را مقهور اراده و مشیت الهی می‌داند.

گرهی را که دست یزدان بست
کی تواند کسی که بگشاید؟

در تایید این نظریه گوید «دُنیا مَقْهُور و مَجْذُوب نِظَامات و نِوَامِيسی اَسْت که اراده فرد در آن تغییری نمی‌تواند داد» (دشتی ۱۳۶۲ ص ۱۵۲) و یا آنجا که اراده و مشیت الهی را در آسان کردن کارهای سخت موثر می‌داند.

ایزد چو بخواهد بگشاید در رحمت

دشواری آسان شود و صعب مسیر



اعتقاد به جبر در ناصر خسرو تنها منحصر به مشیت الهی نمی شود بلکه سیارات و گند نیلگون را هم موثر می داند.

نه همی بینم جز مکر و ستمکاری

کار و کردار تو ای گند زنگاری

حال که چرخ گردون به خواست ما نمی گردد جز تسلیم و رضا چاره ای نیست.

رسد مارا، نشاید بود محزون
همیشه بر مراد خویش گردد
که ما را نیست هرگز اختیاری
ز هر درد و غمی آزاد باشیم

هر آنج از گردش این چرخ وارون
فلک گر خود کم و گر بیش گردد
به کام ما نباشد هیچ کاری
همان بهتر که دائم شاد باشیم

امام فخر رازی

دانشمند قرن ششم هجری است که تفاوت های فردی در صفات انسانی را زائیده دو چیز میداند. یکی اختلاف نقوص از نظر ذات و ماهیت به گونه ای که بعضی از نقوص بشری آزاد منش، کریم و بخشند و دارای فهم نیرومند و افعال پسندیده هستند در حالی که نوع دیگر فرومایه، تبهکار و کودن هستند.

نوع دوم مربوط به امور خارج از ذات و جوهر باز می گردد. مانند اختلاف ستارگان واقع در روبروی سرزمین و خاکی که شخص در آنجا به وجود آمده و مانند مزاج های اعضای بدن (اعرافی ۱۳۸۵، ص ۲۵).

فخر رازی حتی سرعت فهم یا کند ذهنی و آشفتگی روانی، ترس و خشم را بر اساس اختلاف مزاج و شرایط مغزی انسان ها به تفصیل مورد بحث قرار داده است.

خواجه نصیر الدین طوسی

خواجه ریاضی دان و منجم و فیلسوف قرن هفتم هجری است که ضمن پذیرش تاثیر عوامل محیطی و تربیتی عنایت خاصی به ویژگی های وراثتی در طبیعت افراد دارد.

«اما طبیعت چنان بود که مزاج شخصی چنان اقتضا کند که او مستعد حالی باشد از احوال، مانند کسی که کمتر سببی تحریک قوه‌ی غضبی او کند، یا کسی که از اندک آوازی که به گوش او رسد و یا از خبر مکروهی ضعیف که بشنود خوف و بددلی بر او غالب شود یا کسی که از اندک آوازی که از اندک حرکتی که موجب تعجب بود خنده بسیاری بی تکلف بر او غلبه کند یا کسی که از کمتر سببی قبض و اندوه به افراط برو در آید» (خواجه نصیر ۱۳۶۴، ص ۱۰۱)

خواجه نصیر تفاوت‌های ذاتی کودکان را بر اثر وراثت امری مسلم می‌داند که بر اساس آن بعضی کودکان به سهولت تربیت می‌پذیرند و بعضی به دشواری و اوصافی همچون آزم و بخشش، بخل و سنگدلی و نرمخوئی بر طبیعت آنها غلبه دارد تا آنجا که بعضی به طبیعت نیکوکار و بعضی دیگر شریر و بد رفتارند و بقیه بین این دو حالت قرار دارند.

«کودکان ظاهر است که بعضی سهل الانقیاد باشند. در قبول اضداد آن حالات و بعضی عسر الانقیاد و بعضی ممکن القبول و بعضی ممتنع القبول، تا برخی خیر بر آیند و برخی شریر و بعضی متوسط و چون ماننده است احوال خُلق به خُلق که همچنان که هیچ صورت به صورتی مشابه نیست هیچ خُلق مناسب خُلقی یافته نشود» (خواجه نصیر ۱۳۶۴، ص ۱۰۵)

فردوسی

ویژگی‌های ذاتی و سرشتی در اندیشه فردوسی دگرگون نمی‌شود. همان گونه که حنظل بوته‌ای که شبیه هندوانه است اما میوه اش تلخ است و یا درختی که میوه تلخ به بار می‌آورد چنانچه در بهترین شرایط محیطی قرار گیرد باز همان میوه تلخ را می‌دهد.

گرش بر نشانی به باغ بهشت
به بیخ انگیین ریزی و شهد ناب
همان میوه‌ی تلخ بار آورد

درختی که تلخ است وی را سرشت
ور از جوی خلدش بهنگام آب
سرانجام گوهر به بار آورد

در جای دیگری این مثال را می‌آورد که اگر بچه شیری پرورش داده شود و آداب و تدبیر لازم در پرورش او صورت گیرد همه بی حاصل است و وقتی قوت گرفت و دندان تیز کرد پرورنده خود را می‌درد.



که چون بچه شیر نر پروری
چو با زور و چنگ برخیزد اوی
چو دندان کند تیز کیفر بری
به پروردگار اندر آویزد اوی
(به نقل از زرین کوب ۱۳۷۹ ص ۱۳۲)

و در جای دیگر این گونه استدلال می کند:
ز نا پاک زاده مدارید امید
که زنگی به شستن نگردد سفید

سعدی

سعدی شرط موثر بودن تربیت را قابلیت و شایستگی جوهره وجودی فرد می داند به گونه ای که اگر چنین پذیرش طبیعی وجود نداشته باشد تربیت کاری از پیش نمی برد.

چون بود اصل گوهری قابل
هیچ صیقل نکو نداند کرد
تربیت را در او اثر باشد
آهنی را که بد گوهر باشد
(گلستان باب پنجم)

در تمثیل دیگری بیان می کند همانگونه که آهن بدگهری که زنگار گرفته با صیقل کردن شمشیر نمی شود فردی که ذاتا ناپاک و نادرست است تربیت پذیر نیست.

شمیر نیک ز آهن بد چون کند کسی
باران که در لطافت طبعش خلاف نیست
نا کس به تربیت نشود ای حکیم کس
در باغ لاله روید و در شوره زار خس

و یا آنجا که بر این باور است که بعضی انسان ها از نظر سرشی بدو نا اهل هستند و تربیت را در آنها اثری نیست.

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت نا اهل را چون گردکان بر گند است



و یا آنجا که می گوید:

ابر اگر آب زندگی بارد

با فرومايه روزگار مبر

و یا آنجا که می گوید

زمین شوره سنبل بر نیارد

درو تخم عمل ضایع مگردان

و یا

یکی بچه گرگ می پرورید

چو پروردہ شد خواجه را بر درید

سعدی به قضا و قدر الهی و تاثیر آن بر سرنوشت آدمی باور دارد. نتیجه چنین سیطره ای بی حاصلی کوشش و تلاش آدمی است. درست مثل نایبینائی که بر عصا تکیه کند آدمی هم به سعی و عمل خویش تکیه کند و از مشیت حق غافل باشد همانند تکیه نا بینا بر عصا است.

بالای هر سری قلمی رفته از قضا

پیدا بود که بنده به کوشش کجا رسد

آن بی بصر بود که تکیه کند بر عصا

کس را به خیر و طاعت خویش اعتماد نیست

زیرا که در ازل سعدالند یا اشقیا

تا روز اولت چه نبشه است بر جین

قصاید سعدی

از آنچه بیان گردید این تصور حاصل نشود که هر فرد سرنوشت از قبل تعیین شده ای در اراده و مشیت الهی ، قضا و قدر و امثال آن دارد بلکه این شواهد به این منظور آورده شده که ویژگی های وراثتی افراد نیز مورد عنایت قرار گیرد و با فراهم کردن محیط سالم و شکوفا و بالنده و رشد دهنده هر فردی را به کمال مطلوب خود برسانیم.

منابع



اعرافی، علیرضا و همکاران(۱۳۷۷)آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

خواجہ نصیر الدین طوسی (۱۳۶۴) اخلاق ناصری به تصحیح مجتبی مینوی ، علیرضا حیدری، انتشارات
خوارزمی

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹) حدیث خوش سعدی، انتشارات سخن
دشتی، علی (۱۳۶۲) تصویری از ناصر خسرو به کوشش مهدی ماخوری ، انتشارات جاویدان
عثمان نجاتی، محمد (۱۳۸۵) روانشناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان، مترجم سعید بهشتی، انتشارات رشد
مضاء مظاہر (۱۳۴۰) متن دیوان شیخ اجل سعدی ج ۱، کانون معرفت
موریس دوبس، هانری پیرون (۱۳۵۴) تفاوت های فردی، ترجمه محمد حسین سروری ، انتشارات سخن

